

روزنامه آزاد، هفتگی

پنجشنبه دویم شمس محرم الحرام ۱۳۲۲ هجری

تربیت

صاحب مهتیا زکاء الملک میرد رسپه سیاهی

نهم مارپس ماه فرنگی ۱۹۰۵ میلادی

قیمت در دارمخلاق طهران نهم سیصد دینار نهم سیصد و پنجاه و چهارم سالیانه در همین پایتخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله سیصد هزار دینار در تمام روسیه چهارمشت در تمام هندوستان هفت روپیه در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصره و فرنگ

در دارمخلاق طهران طبع شود جمیده علمی و ادبی و سیاسی سال هشتم قیمت آن سطره یکقران اگر کمتر شود تخفیف قیمت دارد

(اعلان تربیت)

محض اشتغال بر اسم تعزیه داری حضرت خانیس آل عبا علیه آلاف التحية و الثناء اداره تربیت عشر اول ماه محرم را طبع مینماید برای اطلاع مطالعه کنندگان محترم اظهار شد

(بقیه تاریخ پرت آر تور)

صد دولت روپس این بود که اگر در تابستان سال هزار نصد پنج میلادی صلح برقرار باشد تمام بخوری و کوه را مسلح نماید و کلان روی شرقی (امیرالکلیف) قوت و اقتدار درستی حاصل کند و هرگز اتفاقی هم و غیره مهم روی دهد از عهد تنویر و آن برآید اگر این خیالات صورت بگیرد پرت آر تور جل طاق شرق میشد خلاصه برای ساختن و پرداختن این دو شهر مبنی گراف یعنی چند مینون لیره خرج شده و شهر دانی تقریباً تمام رسیده بود که جنگ در گرفت و کار با نجا کشید که روسها چندنا قبل آن شهر را بعد از آنکه زحمتی که در بنای آن کشیده بودند قبل از تخلیه بادیانیت و غیره منهدم نمودند و چیسری از آن واقعه گذشت که پرت آر تور هم تسلیم ژاپنها شد همان پرت آر توری که آن را اول حصن دنیامید نسیم و کان نیکو دیم نفوذ ظل را در آن راه باشد

تاریخ کامل محاصره پرت آر تور بعد از نوشته خواهد شد حال دست مکن نیست زیرا که روسها در خاسی و قایم کابل مراقبت را داشتند

دینکند استند به کس بنفهد که چه واقع میشود مطلبی که بخوبی ثابت معلوم شده این است که دفاع عساکر روپس ازین قلعه نامی حکم که با استحکام آهن و فولاد بود یکی از اعمال نظامی دنیاست که تا قیام قیامت در صحن تاریخ بنظر وقت ملاحظه خواهد شد چه صاحب منصبان روسی در تحت فرمان سردار شجاع خود ژنرال آتیل در مقابل حمله های متورانه پی در پی لشکریان ژاپن مقاومت نمودند و از آن طرف ژاپنها هم درین جنگ و هم وقیح پرت آر تور کار را که دند و در پا داری و جانفشانی هسنری برود دادند که مگر بعد از چشم روزگار نظیر آن را بسیند یعنی پیش ازین نذیده و تاریخ جهان از جنگ و جوشی چنان تاکنون خبر نداده است (بعضی تسلیم پرت آر تور را کاری بجایمانسته و از ژنرال آتیل چندان خوب نیکویند اما ظاهر حال جهان است که نوشته شد و شاید این سردار با وجود داشتن لشکری و تیه باز در تسلیم پرت آر تور کار بردی نکرده باشد) خلاصه حال او را ازیم شرح با جری سببی تفصیل آنچه از ابتدا ای جنگ روپس و ژاپن در پرت آر تور اتفاق افتاده و بیهوده چون دولت ژاپن دانست حرفهای او بخرج دولت روپس میرود و بدین الوقت میگذازد در شب ر شبته نهم ماه فوریه سال هزار نصد و چهار میلادی معاین جنگی ژاپن در تحت فرمان امیرال توکو کیشینا روی حمله کرده و کشتی بزرگ موسوم به (زارویچ) و (توپول) و (پالادا) را شکسته از کار انداختند و در بعد که قبول مغرور روز روشن بود و چشما به جا را سید امیرال توکو محمد داستان

پرت آرتور و پس را گلور باران نمود و از آنها کشتیهای موسوم به
 (پتاوا) و (اسکلا) و (دیانا) و (نویک) را
 خراب و ضایع کرد و روز دوازدهم فوریه که سه چهارم روز بعد
 باشد یکی از کشتیهای روسی موسوم به فیستی مشغول تعبیه مین بود یکی
 از مینها منفجر شد و کشتی فرور را با چهار نفر صاحب منصب و نود و نود
 سرباز بحری عسوق نمود و روز بیست و سه در طوفانی که باریدن برف
 مزید علت میشد مجدداً سفاین ژاپنی کشتیهای روسی حمله کرده و کشتی
 یویا زین درین حمله غرق شد

در شب بیست و چهارم فوریه ژاپنها چند فروند کشتی کهنه تجارتنی
 آوردند که در گلورگاه پرت آرتور غرق نمایند و راه آمد و شد سفاین
 روسی را ببندند و سه قبل از آنکه کشتیهای ژاپنی محل مقصود در
 با گلورهای توب از پسنگرهای ساحل آنها را غرق کردند و روز
 بعد کشتیهای ژاپنی مجدداً پرت آرتور را گلور باران نمود و در روز
 بیست و ششم فوریه چند فروند کشتی ژاپنی صورت ظاهر خود را تغییر
 داده آمدند که در بندرگاه سفاین روسی حمله کنند ولی رؤسای
 شده نگذاشتند کشتیهای مذکور وارد بندرگاه شوند

در اول ماه مارس پس روسها بر اینها حمله کردند و قدری خسارت
 وارد آوردند یکی از کشتیهای روسی هم درین حمله غرق شد
 در بیست و هفتم ماه مارس ژاپنها مجدداً کوشیدند که در بند پرت
 آرتور را تسکین کنند بعضی سفاین در آنجا غرق نمایند اما باز این
 دفعه هم مثل بار اول شد یعنی قبل از رسیدن مقصود کشتیهای خود را
 بآب دادند

در سیزدهم ماه آوریل کشتی روسی موسوم به پتر پاولوف در بند
 بند پرت آرتور یکی از مینهای کهنه که ژاپنها کار گذاشته بودند
 خورد و این سفینه با امیر البحر بزرگ روس با خازن و مقصد
 نفر غرق شد کشتی پوپیدو از کشتیهای روس هم یکی از مینها
 خورده خراب شد و همان روز یک سفینه کوچک روسی را ژاپنها

محاصره کرده عسوق نمودند
 امیرال اسکریه لوف بجای ماخارف امیر البحر شد و به ولاد یوستک
 رفت و در تابستان گذشته چند مرتبه از ولاد یوستک بیرون آمد
 و سفاین تجارتنی را این خسارت وارد آورد و خیلی از جهازات غیر
 جنگی را غرق کرد

در بیست و نهم ماه آوریل یک کشتی کوچک دیگر از سفاین روسی مین
 خورده با یک صاحب منصب و بیست نفر از مله جات غرق شد و سه
 روز بعد ازین واقعه کشتی دیگر موسوم به آتور دوو چهار مینه مذکور گردید
 وزیر آب رفت

(دار اختلافه با بهره)

حضرت مستطاب علیه عالیه بانوی عظمی دامت شوکتها و ثواب مستطاب
 اشرف ارفع والاسر دار عظم صاوم اللدوله ادم الله اقباله
 العالی که نظره عنایتی مخصوص و توجیهی خاص با اداره تربیت از بزرگان
 زیارت حضور رابع النور علی حضرت توفیق شایسته جماعه آردا
 فداده از اصفهان عازم طهران شده بودند در اواخر ماه ذی الحجه
 الحرام با فتنه و شامتی تمام وارد دار اختلافه با بهره گردیده فوت
 ملکوتی صفات خسروانی دام ملکه نهایت اعزاز و عاطفت را در باره
 معظمه بذقت در معظم با شمت مرعی و مبذول منبر نمودند باین
 فریضه ذمه اداره تربیت است که قدم سعادت لزوم قدر دانان
 باشوکت و شان را تسنیت و مبارکباد گوید آمید که همواره
 این دایره محترماً باید و کرامت آن وجودهای با جود مستطاب

(وزارت تجارت)

باتفاق دانشمندان جهان هر مملکت از مالک روی زمین از داشتن
 صادر و وارد ناچار است (صادر امتداد است که از داخله
 بخارج میریزد و میفرودشند و وارد جناسی است که از خارج به داخله
 حل میشود امانی میخرند) و جهت اصلی این داد و پستد و هفت
 غائی این حل و نقل آن است که تمام مایحتاج مردمان متحدان در یک

سرزمین موجود نیست و با محتاج آری بابت تمدن که گفتیم مقصود
 محصولات طبیعی یا مصنوعی مالک مملکت است اما طبیعی برای
 آنکه خوب و ممتاز هر چیز در هر جا عمل نمی آید مثل چای که عجاایه اعلای
 آن مخصوص چین است و در سایر بلاد و ولایات بسوز نتوانند
 بآن استیلا بدست آرند آیدیم بر سه حاصله های مصنوعی آنهم
 پر واضح است که هر صنعتی در ناحیه و مساحتی بدرجه کمال رسیده مثلاً
 اجزای ساعت را در نویس پاکیزه میازند و اسپاب عکاسی را
 در المان و بکذا طرف و کلدان کار سوز و حسیر و پرند لیون فرانسه
 و چاق و قچی انگلیس و با چیزها که ذکر آن ثورت طول کلام است و
 آنها که صاحب مدارک و شاعر عالی و قدرت و شطاعت میباشند
 البته تا بهر مرتبه تکلیف بدرنگ میکنند پس باید گاهی برای رفع حجت
 و ضرورت و زمانی محض استقبال سلیقه و ظرافت که آن نیز ظری
 انسان میز و غالباً جلی اهل تنعم و تقنن است متاع و محصول بلاد
 و ممالک را بواسطه تقود و بیع و شری مبادله نمایند و این تبادل
 تجارت است و ترقی تجارت که یکی از سرچشمه های اصلی ثروت و کثرت
 باشد بسته به تدابیر صائبه و آرای ثاقبه صاحب نظران و با خبران که هر روز
 با سخنان خیالهای دقیق و فکرهای عمیق و استعلام از حال اقلیم
 بعید و قریب استخرانج از عادات و طبیعت بومی و غریب به اندر چه
 باید کرد چه برد و چه آورد مثلاً حتی المقدور رنگی ریزند که بافتها
 و ساخته های مملکت خوبتر و ارزاتر تمام شود تا تمام دنیا طالب آن
 شوند و راه حمل و نقل را سهل و وسایل و وسایط آن بر آسان نمایند
 تا خرج کلی بر نذارند و فروش آنرا داخلی حسابی باشد و جنبه ارمال
 همواره زیاد گردد و یکی از نتایج این معتمد آن است که تجارتی بی آن
 وصف خدمات ثانیان بزراعت و صنایع مملکت نماید محصولات
 طبیعی داخله را بملکین و ارباب بکشت و زرع یا دآوری کند و صاحبان
 صنعت را نیز در هر تمام بکار ساخته های خوب مرغوب مشوق و محرک
 شود و ازین قبیل ناخجالت و نکات که ذول مظهر بر شکل وزارت

تجارت و وزیر القیاری کانی دادار و مجبور کرده تا این منبع متاع را
 پیوسته مصعفی دارد و بروفق و فتنه اش آن مدد دهد و چون
 صدارت عظمای ممالک محروسه ایران یعنی حضرت مستطاب اشراف
 معظم شاهزاده صدر اعظم عین الدوله دامت شوکه کثرت این اصول
 و ضوول و حقایق و دقائق میباشند جناب مستطاب اجل اکرم میرزا
 جواد خان سعد الدوله وزیر مختار سابق بزرگیک ضاعف الله
 اجلاله را که از رجال دانشمند با کفایت مملکت میباشد و اهمیت کار
 تجارت را از همه کس بهتر میداند با اجازه علیه العلی حضرت قوشوکت
 شاهنشاهی خلد الله مکه و سلطانیه برای این کار مهم و مثل شایسته
 وزارت جلیله تجارت انتخاب و اختیار فرمودند و ما میبایست تجار
 محترم ایران را بوجود کار دانی چنین زود و ترازین تنیت و مبارکباد گویم
 و مرده در بیم کن بعد قدری در نک کردیم و نظریه مصلحتی تا نقل نمودیم
 تا خون شیر شود و مطلب درست جاگیر گردد

۱۷۴۳

حقیقت این است که ما از ترقیات اداره معظمه وزارت تجارت بسوز
 اطلاع کامل نداریم همیشه قدر میدانیم بعد از تفویض این وزارت
 بجناب مستطاب سعد الدوله مجلسی از کلیت تجار با افتخار در آن مجلس
 منعقد نموده از میان اکابر این جماعت شانزده نفر را بتصویب
 تصدیق جمع برای حکم بودن در محاکمات تجارتی مستنخب کردند
 که روزی چهار نفر بوقت در مجلس محاکمات تجارت حاضر شوند و قیوم
 امور و صلاح کار و دفع اختلاف تجار مشول باشند این سخن
 از روز چهاردهم ماه ذی الحجه در اطاق قیامی جنب عمارت مبارک
 مردم منعقد شده و غیر از جمعه و ایام مستبر که هر روز دایر است و
 برای اطلاع عموم االی دار مختلفه و غیر ما اعلانی درین باب منتشر
 گشته هر کس ادعائی در این باب دارد لایحه میسویسد و در آن اسم
 مدعی را با کتب و کار و محل و مکان و از عا درج میکند و با طاق
 محاکمات میدهد و آن در دفتر مخصوص بانده ثبت میشود و این کار از
 صبح تا ظهر است آنگاه با احضار نامه چالی مدعی علیه را محترم حضراً

سیناوند از ساعت بغروب مانده با حضور چهارفصله تا جرد کور
و عوامی طسرفین قطع خواهد شد و صورت مجلس را تمام اعضا امضا
سیناوند در وقت میکشند بعد با طاق اجرا میفرستند و در آنجا
مجری شود و عمل بکلی فیصل پذیر میگردد

و از حسن اتفاق جناب جلالتاب میرزا کریمخان مستوفی ولد مرحوم
میرزا محمد حسین ناظم الملک که از برآوردگان تربیت شده دولت
ابدآیت با صفات حسنه اهل خیرت و بصیرت است مدیر طاق محاکمات
میباشد و با اقتضای طبیعت برآستی و درستی عمل مینماید

و جناب جلالتاب اجل عالی رحمت لطفه از اجزای با درایت و
کفایت وزارت جلیله خارجه که همواره مصدر خدمات فایده لایقه
بوده در طاق اجرا ریاست اردو این مرد بهوشمند را که از صاحبان
ذکامی عالی است شخصاً شناسیم و اهل این رتبه و مقام مبدانیم
و آخر الامر در هر محاکمه مدعی و مدعی علیه حق یک استیفاء دارند ولی
با شروط معینة نظامنامه علیحد

و مطلب محکم که مخصوصاً باید دانست این است که تمام اجزای وزارت
جلیله تجارت بموجب درخواست و صوابدید جناب مستطاب اجل اکرام
سعد الدوله وزیر تجارت ارا دام الله اقباله العالی بواجب کافی از دیوان
پایون دارند که ماه به ماه دریافت سیناوند لهذا احدی نمیتواند هیچ
اسم در رسم دیناری از مدعی و مدعی علیه مطالبه نماید آمید و ایم
بعد از این وزارت با خضارت مقاله نای نیکو بدخواه منتشر کنیم

(اسلامبول)

روزنامه لوانت هرالد که در اسلامبول بنسب انسه و انگلیسی طبع میشود
در نهمه مورخ تاریخ دویم ماه فوریه سال ۱۹۰۰ میلادی (۲۷
ذی القعدة ۱۳۲۲ هجری) مینویسد جناب اشرف پرنس
میرزا رضاخان ارفع الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران که چندی
در کار مسافرت بود در روز یکشنبه مورخ به نیکلای دویم از سفارت
کیانی روسی که از اسپکندریه باین پای تخت می آمد وارد اسلامبول

۱۷۴۴

شد و پذیرائی شایان با نیکوئی از سفیر کبیر معظم بعمل آمد

ایشحضرت سلطان جناب غالب یک معاون تشریفات را بر این
ادای مراسم خیر مقدم و جلب شوکت مآب صدر اعظم و جناب
وزیر امور خارجه هر یک تر جان وزارت خود را که جنابان خیرالدین
یک و سعد الدین یک ششند برای تبلیغ رسوم تحت اظهار محبت
بملاقات سفیر کبیر فرستادند

میرزا مصطفی خان مستشار سفارت کبری که در غیبت سفیر کبیر سمت
شماره و انفسری داشت با اعضای محترم سفارت کبری و اجزای
رزال قنولگری و سران معتبر ایرانی و بسیاری از معارف کشتی
رقه جناب اشرف پرنس ارفع الدوله را استقبال کردند و قدم
مبارک ایشان را مبارکجا گفتند

جمعی کثیر بنسبت در سفارت کبری حاضر شده و در وقت سفیر کبیر معظم را
عرض تنیت و دستاورد نموده و مورد ثبانت خاطر آن بزرگوار گشتند
تسبب اعضای سفارت کبری و اجزای قنولگری در سفارت بنسبت
بصرف شام مهمان بودند

(تربیت کت)

شرح ما موریت جناب مستطاب اشرف پرنس ارفع الدوله سفیر کبیر
دولت علیه ایران معتمد اسلامبول ضامن الله اجلاله را بدربار
دولت روس و احترامات ما مورین دولت مشارالیه را در باره
معظم معزنی الیه در محل مقام پیش در تربیت نوشته ایم اینک
گوئیم پس از انجام ما موریت سفیر کبیر همه جا با اشرف و سعادت
همراه بوده و بعد از تازه کردن دیدار با دوستان مصری عزیمت
اسلامبول نموده روز بیست و ششم ذی القعدة گذشته وارد
التعاود شدند و از جانب دولت علیه عثمانی تمام شرایط اعزاز در باره
ایشان مرعی و منظور شده و مالی ایران معتمد آن بامی تحت قدم
بمنت لزوم پرنس معظم را اسباب سر بلندی دانسته فی الحقیقه
با طهار جان فثانی پرداختند و جشن گرفتند قفا و نثر آن تحت

و تبریک گفتند از جمله جناب حاجی میرزا مهدی بیک اختر که
مستقی از وصف و اوصاف قصیده غرآمناسب موقع بعض
رسانده تحسین و بذل کرمی در فور سر بلند گردید نمونه را بیک دو
به بیت آن چکانه شیوا تربیت را آرایش میدهم بفسر باید
صد شکر که برکت نگارم ز منبر بر

با طلعت رخشنده تر از قمر ص قمر بر
از روم منبر کرد بایران وزیران

باز آمد و بخشید شرافت بقدر بر
زد تحیه بدان پسند عزت که در بود

بر رعشم اعا دتی گویند و سیر بر
صدرش چو برادر پذیرفت معزز

افزود شمش نیز بجایه و بخل بر
دادش لقب میری نویان و بر تبه

بگذشت معاش ز امیران بز بر
دری که بود مجمع اعیان و اکابر

افشاند بدامن همه را در و گهر بر
نخلی که بود بار و رابته فشانند

بر سایر شینانش به سنگام مبر
ومن رأی من الیف اثره فقدر رأی اکثره

(مدرس مبارکه هایونی زنجان)

شرح امتحان این دارالاسلم را در نمره (۳۵۲) تربیت بانها رسانده
بودیم که تفصیل آن مجده از محلی معتبر با داره رسیده چون نوشته
پیش با علی درجه کمال نبود در اینجا تکمیل آن سپرد ازیم اولاً در مقام
بعد فرج و دخل مدرس را نگاشته و مطلب مهم درین قمره آن است که
انصار الله عقرب بخت صاحبان خیر نسیبی ابداع خواهد شد و در
بوضع مناسب حال بنا خواهند نمود و این مژده سباب آرایش
خیال است تا با معلوم شد که امتحان مدرس هایونی در طرف

سر و زجل آمده و در دستیم امتحان طبقه علمیه بوده و مستقیم از عربی
و هندانه و ریاضی و جغرافیا امتحانی داده که بتصور اهل بلد فی آمد و
مکارم مبد و له جناب مستطاب اجل اکرم وزیرهایون ادا نموده اقبال
العالی در حق شاگردان بیش از آن بوده که ما نوشتیم از جمله قلمدا
بسیار ممتاز با دوات قمره بجهت خان ولد جناب شیرالماکت وزیر
دام اجله رحمت فرموده و عینات دیگران از عجا و ساعت و نقشه
و کتاب بسیار و یکی از شاگردان که خوب ترقی کرده نظر بقصدت بعض
پدرش از دادن شهریه معاف شده تا آنجا تقریرات جناب مستطاب
معظم وزیرهایون را نوشته بودند و فی الحقیقه آن مضامین مستح
کمال اهمیت است و تقریباً عین آن آیند (خداوند را شکر میکنم که
ترقی شاعرین را درین مدت قلیل کثیری بسیم الحق اقدامات لایق
غیرتندان ولایت و زحمات ایشان در تأسیس این اساس عالی
نرفته و اهتمام معین و سایر کارکنان این دارالاسلم شود و بمرغبت
و همش و دکای ایرانی ظاهر گشته و این امتحان کاملی که دادید
اسباب روشنی چشمها و گشادگی دلهاست خصوصاً با محبت قلبی
بشما سفارش میکنم که از دل و جان بجای ذات نجسته صفات
آه پس هایون شاهنشاه حجه و بسنت کت مالک ایران ارواح
فداه پردازید زیرا که این مدرس مبارکه بنام هایون خسروانی میباشد
و تمام آثار و آثار از آن مصدر عنایت صادر است معنی وطن پرستی
در پادشاه پرستی دانید و از ثمره شجره علم و دانش بهره برید)

و صورت خطبه که یکی از شاگردان در آخر مجلس قرائت نموده نیز
شد با استیاض مخصوص و مناسب محل خاص لهذا از نگارش آن صرف
نظر کرده و جزئیات را نیز برای وقت دیگر گذاشت

(شیراز)

گناه از بنده و غمناز خداوند چندی قبل شنیدیم در آستان مقدس
حضرت اقدس امین معظم شاهنشاه برادره عظیم شجاع التلظت صاحب
خستیار کل حکمت فارسی و مصافحات و است شوکه از جناب میرزا

محمد حسین متخلص شعاع سعادت می کرده اند و او را از نظر کرمت اثر انداخته
زاید الوصف ازین بگذرد طول و کدر بودیم تا این اوقات آیت
رحمت نزول کرده نموده داد که از گناه رفت باز فکده گشتند و
بیکر استبار جناب شعاع را با پانوی بر از ثواب شسته فخره برین
فرمودند فصل بر عدل پیش گرفت رجاء آمد و پش رفت بر دانه عطا
از بیگانه مستی در عفو خط مشرف صد دریافت و رانده بجایا بخود
و طرف بلا شتافت

(اخبار زمان)

تقریباً تمام ایالتی که در جنوب هندوستان قرار گرفته بود و در
شورشیان متصرف شده عده ایشان در روز زیاد میشود لشکر
فرستادن باین ولایت نیز برای دولت عثمانی کاری مشکل است
و بسیاری از عسکریان از زیر بار عمل نظام شان خالی میکنند در اطراف
صنعا هم چندین زد و خورد باین حاصصیان و عساکر دولتی واقع
شده و غلبه با شورشیان بوده
و بعد معظم دولت انگلیس عازم هندوستان میباشد و بناست با
معتبره تابه انگلیس باز دید کند و روسای معتبر بومی و شاهزادگان
ایشان را ملاقات نماید و بزرگان هندوستان شاهزاده والایه
انگلیس معرفی خواهند شد

پرنس فردرک لئو پند شاهزاده پروسیس عازم شرق قس می شد
سلطان زنجبار با انگلیس رفته وزیر امور خارجه آن دولت او را
با عیضرت پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان معرفی نمود
و ملاقات مرقی طول کشید و آخر کار پادشاه انگلیس سلطان
خیلی اظهار محبت بانی کرده این ملافت اسباب مباهات سلطان
زنجبار گردید

رابرتی مجلس پارسیس در باب مسکه با بیکر داده روزنامه آن را
مطرح تختی نموده و موافق صرفه انگلیس و دلیل کمال مهارت امیر
اوجراه انسته گویند این راپرت سر مشقی تمام مردم صید کیندا

نزار چهار چگونگی باید فصل داد

حکومت مسکو زوال سنتین را بخوبی پذیرفته و مردم نینه کمال احترام
با و کرده و تشریفات برای مشارکین فراهم آورده و معافی کرده
خیر مقدم گفته و زوال در مسئله بزرگ آرتور اظهار داشته که تکلیف
من این بود که بن در تسلیم نمایم تا خونریزی بیوده نشود زیرا که بر این
تمام قلاع را گرفته بودند و بعد از آن مقاومت حاصلی نداشت
پس از آن نیتل از سپکو پلر زبورغ رفته و عیضرت امپراطور او را
پذیرفته و با زوال بنا رورده

در راه آهن سبیری بعضی کارگران کار خود را تعطیل کرده ختم جنگ را
مطالبه مینمایند دولت روس برای اینکه ترتیب راههای آهن
بهم نخورد اعلام کرده است که تمام کارگران راه آهن را در همه جای
روسه نیز از سر باز تهراردند و بقانون نظامی با آنها رفتار کنند
و قایع نگار روزگزید در و شود دولت از بیم آنکه اجزای مریس تعطیل کنند
با هر یک نفر آنها یک نفر سپه باز همراه کرده و از تهراردند کورستان را
بحال محاصره (حکومت نظامی) اعلام نموده اند نیز میگویند چون در شب
چهارم محرم روزی است که بندگان را در روسیه آزاد کرده اند
احتمال میرود در پلر زبورغ و سپکو و در شواغشاش قتل روی
دهد در صورت در نقاد مختلفه روسیه تعطیل رو با زود پاد است
اسباب شویس میباشد

کارگران سن پلر زبورغ دوست نفرار هستین کرده اند که از جانب
ایشان نمایند و انتخاب کنند اجزای مجلسی باشند باید منعقد
شود و آن دوست نفران بنم نموده و این اول همی از کارگران است
که با اجازه دولت در آن پای تخت منعقد شده و درین اجلاس گفته اند
(آن سهرار نضری که از ابتدا می این افتشاشا و سپیکر شده با
آزاد شوند و الا ما حاضر نخواهیم شد و کار نخواهیم کرد)

و از چیزهای دیگر که مطالبه میکنند این است که کسی متفرض شخص
و منزل مردم نشود و گفتار مطبوعات آزاد باشد و بار دیگر بازان

دویر
عمو
ازت
افقا
انها
پرد
خاز
تیر
قالب
شکر
اعلا
ترد
اخلا
کرد
اخر
بمان
دار
شهر
نینه
ورق
طرف
فرق
طرف
دو
بر
معد
جان

دو دست نفران سخن کرده و گفته اند اگر آنچه ما بطلبیم عطا نشود کارگاه
عمو تا خطیل خواهد بود کرد

از تشریف آرد کور علیحضرت امپراطور از صرافت مشروط کردن دولت
افتاده و وزرائی که طالب این مطلب بودند مضروب شده و مخالفین
آنها فائق آمده و علیحضرت امپراطور سلطان کرده و بتصدیق استبداد
پرداخته و تمام ملت را دعوت نموده که برضد دشمنهای داخلی و
خارجی اتفاق نمایند

تیر علیحضرت امپراطور بوزیر داخله نوشته اند اراده کرده ام امپراطور
قابلی را که مردم انتخاب کرده اند دعوت کنم و آنها را در وضع قوانین
شریک نمایم اما قوانین اصلیه دولت نباید تغییر کند مردم بعد از
اعلان سابق الذکر ازین نوشته علیحضرت تعجب میکنند و در حال
تردید میباشند و نظر تفصیل و توضیح مطلب بمنتظر روزنامه
اخبار خوشنودی میمانند در ولایت بادکوبه حال محاصره اعلان
کرده اند (مقصود از حال محاصره یعنی حکومت نظامی بیاباره)

اخیری همانطور که با نظام و لشگری رفتار میکنند اهل این بلد هم
همانطور رفتار میکنند) ساخته بادکوبه برای هر کس که حق این
دارد و خاصه ما از سوانح سخن انگیز است در اینکه خونریزی ناشی از
شهر شده و از منی و پهلوان بهم ریخته و جمعی کشته شده اند حرف
نیست و در اینکه علت آن چهل و اغراض نفسانی از قبیل غلب و حسد و
ورقابت عامیانه بوده و نیز جمعی شک و شبهه نباشد جز اینکه نمیدانیم از
طرفین کدام یک بهادرت باین امر شایع نموده از انانی این بلد اگر
فرود نیکی و تظلمی داشته باید بدولت اظهار کنند بعبارة اخیری دست
طرف واقع میشود مسلمان یا از منی پس این قتل و سفاک دخی با بود
دو قتی ندارد دستها این است که مفید و مصلحتی برای فتنه و فساد واقع
بست آورده در حال قتل نباید تقدیر بگذارد رسیدن جرایم
معلوم و نگاشته شود

جناب معظم سرتیرو دولت رئیس دانشمند دولت جمهوری آمازونی که

دست بپایش میر رسیده بود خون کمال کفایت و کاردانی و غیرضی
ظاهر ساخته مجدداً بریاست منتخب شد

(جنگ روس و ژاپن)

در مقدمه پیش اشاره کردیم که فیجایم روسها و ژاپنیها جنگی در پیچوری شروع شده
باید دانست که آن جنگ بسوز در کار است و نتیجه آن معلوم نشده و جنگ
شروع رسیده آنچه بطور حال پستفاد میشود این است که با وجود برف
و بوران سخت ژاپنیهای حمله با استحکامات روس گذارشته و روسها
با ساتت و صلابت زیاد بقادمت آنها پرداخته و ایستادگی داشته اند جنگ
ایشان تمام شد و ژاپنیها تپه های پر برف را که اسباب حفاظ و حر است قریب
موسوم بر تن خشک بود گرفتند و بر استحکامات روس مسلط شدند
و در ممبرهای تنگ کوهستانی کردند چه باید از اینجا عبور کنند تا بگذرند
مگر آن برسد نیزه کور شد تگله تا سنگ که اگر متعاقب وصول بود کین
ژاپنیها گرفته اند در هر صورت این جنگ را نباید مختصر دانست بلکه در
و خوردی بزرگ بوده که نتیجه آن هنوز درست منتشر نشده از قرار آنکه
ژاپنیها خبر داده و گفته اند روسها در تن خشک هفده هزار نفر لشکری
و بیست عراد توپ داشتند باید خسارت روس درین واقعه قریب و هزار نفر باشد
و زغال کوراپا کمین خبر داده که ژاپنیها در یکی از محلهای یازده مرتبه حمله کردند
و عمارت روس آنها را عقب نشانند و صد نفر از ایشان کشته شد
در اطراف بل شاهوینسند زود خوردنای سخت شده اما نتیجه معلوم نیست
باری بعد ژاپنیهایش رفته و از بلندیا سر از بر شد و بنای تنگ سخت را
بقلب لشکر کوراپا کمین گذارشته خواسته اند بپوشش محل روسها را بگیرند
ولی روسها آنها را عقب نشانند و زغال کوراپا کمین بگوید من از دشمن
همواره جلو گیری کرده ام بعضی نقاط روس گرفته و خسارت کلی بایشان وارد
آورده ام از ژاپن خبر داده اند که بعضی از مواقع را روسها بقدری شکست
کرده که باید آن نکته را محاصره کرد و گرفت نیز گفته اند درین زود خورد
آخری خسارت ما و هزار نفر بوده و از روسها بیشتر آبروی ژاپنیهاست
چند از روسها گرفته و بنا بر اخبار روسی در بعضی زود خوردنای حد متعین بقدرت

۱۷۴۷

که کارگران کشته‌های خود را میگرداند و آخر الامر جنگ شدت در کار است
 در وی هم رفته صفوف را پنی کتی پیش میروند و حال میدهم زهپسها در جنگ
 از صفوف روس پیش افتاده و بر آنها احاطه کرده با آنها این پیشرفت اید
 روس حاصل نموده بود که ن نزدیک شده باشند بر وی عقیب روسها
 ممکن را تخلف میکنند
 از ولاد یوستک خبر داده اند که دو هزار نفر از پنی در شمال کرپا شده
 و این معتقدند که ولاد یوستک بیاید این است احوال احوال آنجا
 ماه ذی الحجه که سال قری با با خبر میسرند تا به سیم در سال نو که عزه محرم
 اول آن است چه واقع شود
 بوجبه اخبار آخری زهپسها آن طرف رود و چون که در جنوب نمکدن
 جاری است فتح غایبی کرده و وقت از عا کرد پشته شانزدهم
 روس را که تازه از اردو با پیچوری رسیده شکست داده و متفرق
 نموده اند کشتار شدیدی شده و زانیا همتا حریفه زیاد از روسها
 گرفته اند روسها آنچه در نمکدن دارند آتش میزنند که جنگ گریز پیدا
 مارشال ایاما بوده بر جانین قشون روس احاطه دارد و لشکر بان
 او خط منحنی عظیمی تزیب داده که قاعده آن در شاه سو می باشد و مینه
 تا مشرق فوشان رفته و میره مغرب نمکدن رسیده و این دایره
 کم کم تنگ میشود کورا پاکین یعنی بقلب لشکر زانین حله میسند و می کنند
 که زهپسها جانین قشون او را احاطه کنند اما بجا حل است آنجا
 مستحکم میره روسها را زانیا با توپهای غله کوب کلک باران کرده
 گو با مقاومت روسها ممکن نباشد راستی این جنگ حکایتی دارد و هم
 و ابرام طرفین به حد کمال است چنانکه روسها در مرتبه مواقع زهپسها
 حله برده و زانیا را پس زده و زانیا هم سیزده دفعه بر روسها حله برده
 روسها آنها را عقب نشاندند و از جمله کارهای تازه که واقع شده و اسباب
 قوت زهپسها گردیده اینکه کورا پاکین و ایاما سخت مشغول زد و خورد بودند
 که ناگهان در خیزب ززال نوری سپه دار زانینی که پرت آر نور گرفت
 بال لشکر بان خود رسیده روسها را میخیزد تا شهر نمکدن شلوک شد که چه باور است

بار و حرکت قشون نمک کرده بدتر از بیم آنکه لشکری جو از زانین بود
 کرده باشند جنگ با ززال نوری از بعد از ظهر روز بیست و هفتم ذی الحجه
 تجدید شد و روزهای بعد هم با کمال سختی زد و خورد در کار بوده و این جنگ
 رفته رفته شمال و مغرب نمکدن گورا پاکین در تمام این مواقع خود کشتار
 فوق العاده کرده مخصوصاً قلب لشکر روسها است و گوی زیاد نمودن نیت باوری
 بخرج داد اما میره زانین که در طرف مغرب و شمال غربی با وجود مانع و سنگ
 سخت و برف بود آن شد بمقتضای خویش نابل گشت در تاریکی با نور برق
 و گلوله های میز یوم میدان را روشن نموده و به مشاهد حرکات پرداخت و با
 نیزه سنگهای بسیار متصرف شد با وجود اینکه روسها هم کشتار کرده و توپهای
 میز را توپ زیاد در سنگها قرار داده بودند (میز یوم جسمی است که چون میزند
 روشنی زیاد میدهد و میز را توپ است که در مدت کم گلوله زیادی اندازد و مانند
 نایز چندتری می کند) باری عاقبت روسها بیات و صراحت بسیار مجرب نشستن شدند
 بعضی سربازان با کمال احتشاش افتاده و همه را به خود را میگرداند تمام توپهای مجامعه پرت
 آر توپ زهپسها این روزها میزدند از پرستی داشت یعنی مات و استیلا مات و استیلا میزدند
 پریشان بود حاصل این صحنه میز زانینی و شمال شرقی نمکدن و این جنگ میره
 روزی بود از طلوع تا غروب کار بود و در طرفین بازاده اخبارت جنگ ایاما پاکین
 از قرار می مارشال ایاما خبر داده در پشت سلی شمال غربی نمکدن روسها با همتا در آمده بود
 جلوه اندازان آنها را پس نشاند در طرف مشرق یعنی میز زانین هم روسها خیلی مقاومت
 کردند مخصوصاً ززال کورا پاکین دفاع نقطه فوشان پرداخت که بوز عا که خود را در شایه
 نگاهداری نماید ولی برایشنا حرکت خود را که حاطه بر قشون روسها شده اند داده و راه
 نیلینک را که در شمال نمکدن محل معنی است پس گرفته قلب لشکر کورا پاکین
 پیش از همه ایستادگی کرده و روز غنسه محرم با وجود اینکه طسفرین بی حال
 بی جان شده بودند باز زد و خورد در کار بود ولی درین روز وقایع نگار و خبر
 داد که روسها تاریکی شب را غنیمت شمرده بکنند که در کنار شایه بودند
 کردند بعد از آنکه آذوقه بسیاری از فوشان قشون زانینای عقب نشستن
 گذاشته رفتند و زانیا هم دنبال آنها را گرفته بود و نمکدن رفتند
 (این روزها چهار صفحه ضمیر دارد که بعد از دوره توپ میزند)